

من سلفی هستم

جستاری در هویت حقیقی
و تخیلی سلفی‌ها

محمد ابورمان | ترجمه: امیر رضا تمدن، حسن بشیر

حداد

انتشارات حداد

عنوان: من سلفی هستم
جستاری در هویت حقیقی و تخیلی سلفی‌ها

نویسنده: محمد ابورمان
ترجمه: امیررضا تمدن، حسن بشیر
ویراستار: مریم ترکمیان
نمونه خوان: رسول احدی خانقاه

مدیر هنری: حسین کریم زاده

شابک: ۷-۲-۰۲-۸۲۲۹-۸۲۲۹-۶۲۲-۹۷۸
نوبت چاپ: اول- ۱۴۰۲
شمارگان: ۲۰۰ نسخه

تمام حقوق چاپ و نشر، محفوظ
و متعلق به نشر صاد است

نشانی: تهران- خیابان انقلاب اسلامی- بین ابوریحان و
فلسطین- بن بست سروش- پلاک ۲
شماره تماس: ۰۲۱-۶۶۴۲۰۱۶

سرشناسه: ابورمان، محمد
عنوان قراردادی: آنا سلفی: بحث فی الهویه الواقعيه و التخیلیه لدی
السلفیین فارسی
عنوان و نام پدیدآور: من سلفی هستم: جستاری در هویت حقیقی و
تخیلی سلفی‌ها/
محمد ابورمان؛ ویراستار مریم ترکمیان؛ ترجمه امیررضا تمدن، حسن
بشیر.

مشخصات نشر: تهران، نشر صاد، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری: ۲۷۸ ص.
شابک: ۷-۲-۰۲-۸۲۲۹-۸۲۲۹-۶۲۲-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی: فیا
یادداشت: کتاب حاضر نخستین بار با عنوان "هویت سلفی،
مطالعه‌ای در هویت‌های واقعی و تصویری سلفی‌ها" با ترجمه
جبار شجاعی پژوهشکده مطالعات راهبردی در سال ۱۳۹۶ ترجمه و
منتشر شده است.
یادداشت: کتابخانه.

عنوان دیگر: جستاری در هویت حقیقی و تخیلی سلفی‌ها.
عنوان دیگر: هویت سلفی، مطالعه‌ای در هویت‌های واقعی و تصویری
سلفی‌ها.

موضوع سلفیه

Salafiyah

سلفیه -- عقاید

Salafiyah -- Doctrines

شناسه افزوده: تمدن، امیررضا، ۱۳۷۲- مترجم

شناسه افزوده: بشیر، حسن، ۱۳۴۴- مترجم

رده بندی کنگره: BPTW/5

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۲۱۶

شماره کتابشناسی ملی: ۹۴۷۵۱۵۶

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیا

فهرست

۹	مقدمه مترجمان
۱۵	تکمله‌ای بر مقدمه
۳۳	منابع
۳۳	منابع فارسی
۳۳	منابع عربی
۳۴	منابع انگلیسی
۳۵	پیشگفتار
۳۹	تقدیر و سیاس
۳۳	مقدمه کتاب
۴۲	۱. دیدگاه روشمند: جامعه‌شناسی هویت
۴۹	۲. تقسیم‌بندی پژوهش
۵۰	۳. و اما بعد
۵۱	فصل مقدماتی: سلفی‌ها چه کسانی هستند؟
۵۱	۱. مقدمه
۶۱	۲. اهل حدیث؛ «فرقه ناجیه»
۶۹	۳. سلفی سرگردان: شرک قبرها یا شرک قصرها؟
۷۸	۴. خلاصه‌ها و نتیجه‌گیری‌ها
۸۵	فصل اول: چگونه یک سلفی شدم؟
۸۵	۱. مقدمه
۹۳	۲. سلفی‌های شهرک طفایله: پایبندی به روش «شیوخ»

۳. معاذ العوايشة: نسل جديد آكادميك ۹۹
- ۳-۱. مقابله نرم با «خطوط قرمز» سنتی ۱۰۲
۴. نمونه‌هایی از جوانان جدید: وابسته، سرگردان و ماجراجو! ۱۰۴
- ۴-۱. سرگردانی و کنجکاوی در محافل سنتی ۱۰۴
- ۴-۲. نمونه رایج: «سلفی وابسته» ۱۰۸
- ۴-۳. آرمان‌های هم‌نشین سلفی ما برای آینده چیست؟ ۱۱۱
۵. عمر البطوش: کودتا علیه ایدئولوژی سنتی ۱۱۲
- ۵-۱. دگرگونی فکری: راز آن چیست؟ ۱۱۷
- ۵-۲. عضویت نافرجام و درگیری فکری ۱۲۱
- ۵-۳. خلاصه‌ها و نتیجه‌گیری‌ها ۱۲۳
- فصل دوم: سلفی‌گری جهادگرا: راه دشوار به سوی آن و «خروج بی خطر» از آن ۱۲۹
۱. مقدمه ۱۲۹
۲. منیف سماره: مسیر تدریجی به سوی سلفی‌گری جهادگرا ۱۳۵
۳. نعیم تلاوی: «پیوندی با فرجام» با سلفی‌گری جهادگرا ۱۴۴
- ۳-۱. سفر، زندان‌ها و غربت ۱۴۶
- ۳-۲. راهکار جایگزین: بازگشت به ایده «امت» ۱۴۹
۴. مؤید: خروج مطمئن از محافل جهادگرایان ۱۵۱
- ۴-۱. «نوجوان جهادگرا»: تأثیرپذیری زود هنگام ۱۵۱
- ۴-۲. سال‌های «سایش فکری» ۱۵۹
۵. خلاصه‌ها و نتیجه‌گیری‌ها ۱۶۱
- فصل سوم: در جست‌وجوی «راه سوم» سلفی‌گری ۱۶۹
۱. مقدمه ۱۶۹
۲. زاید حماد: حرکت به سوی فعالیت‌های خیریه ۱۷۵
- ۲-۱. تکامل جایگاه این روش: سلفی‌گری جنبشی ۱۷۷
- ۲-۲. سلفی بودن در عمل و شغل ۱۸۵
۳. اسامه شحاده: شخصیت سلفی منسجم ۱۸۹
- ۳-۱. «ساختار سلفی‌گری»: ترکیب متوازن ۱۹۰
- ۳-۲. دوره اردن: درگیری درون خانه سلفی‌گری ۱۹۲
- ۳-۳. بازگشت به جمعیت کتاب و سنت ۱۹۴
- ۳-۴. رویکردها و مؤلفه‌های جدید سلفی ۱۹۶
۴. هشام الزعبی: آمیختن سلفی‌گری جنبشی با سلفی‌گری جهادگرا ۱۹۸
- ۴-۱. سلفی‌گری به مثابه فعالیتی تشکیلاتی ۱۹۹
- ۴-۲. جریان جنبشی و بحران ایدئولوژی ۲۰۱
- ۴-۳. میان جامعه، سیاست و رسانه ۲۰۳
۵. احمد ابورمان: «مسیر سرگردان» در «فرازونشیب سلفی‌گری» ۲۰۴
- ۵-۱. چرا یک سلفی شدم؟ ۲۰۵
- ۵-۲. گرایش موقت به سمت جهادگرایی ۲۰۷

۲۰۸.....	۶. خلاصه‌ها و نتیجه‌گیری‌ها
۲۱۱.....	فصل چهارم: از درون سلفی‌گری تا دنیای بیرون از آن
۲۱۱.....	۱. مقدمه
۲۱۳.....	۲. حسن ابوهیثم: عبور از «سلفی‌گری‌ها» به سوی اسلام چپ‌گرای دموکراتیک
۲۱۵.....	۲-۱. آغاز: مشارکت در تأسیس سلفی‌گری جنبشی و نهادسازی برای آن
۲۲۰.....	۲-۲. مشارکت فلسفی در تأسیس سلفی‌گری جهادگرا
۲۲۳.....	۲-۳. از سلفی‌گری به سوی اسلام چپ‌گرای دموکراتیک
۲۲۶.....	۳. نارت خیر: مسیر معکوس؛ از سلفی‌گری به سوی سکولاریسم
۲۲۷.....	۳-۱. ایستگاه اول: احساس فریبی که به «وادی سلفی‌گری» می‌کشاند!
۲۳۰.....	۳-۲. ایستگاه دوم: فرورفتن در سلفی‌گری؛ باز سرگیری بی‌قراری معرفتی
۲۳۵.....	۳-۳. ایستگاه سوم: شروع دوباره ناآرامی فکری و معرفتی
۲۳۹.....	۴. خلاصه‌ها و نتیجه‌گیری‌ها
۲۴۳.....	فصل پایانی: پیش‌ش‌های مربوط به هویت، بحران و دگرگونی
۲۴۳.....	۱. مقدمه
۲۴۵.....	۲. هویت یک پارچه یا هویت‌های متعدد؟
۲۵۵.....	۳. سلفی‌ها و بحران یا «بحران هویت سلفی»
۲۶۳.....	۴. میان گذشته، حال و آینده
۲۷۱.....	۵. سخن پایانی
۲۷۵.....	منابع
۲۷۵.....	کتاب‌های عربی
۲۷۷.....	مصاحبه‌ها
۲۷۸.....	پایگاه‌های الکترونیک

مقدمه مترجمان

نهضت‌ها و جنبش‌های اصلاحی اسلامی، برخی فکری، برخی اجتماعی و برخی دیگر، هم فکری و هم اجتماعی هستند. سلفیه گرچه اکنون مترادف حرکت وهابیت در جهان اسلام است؛ اما در حقیقت یک جریان اصلاحی است که باید آن را در ردیف جنبش‌های فکری-اجتماعی به حساب آورد که نه تنها بر تجدد فکری دین تأکید می‌کند، بلکه بر اصلاح شیوه‌های اجتماعی جامعه و بازگشت آن به روش «سلف صالح» پافشاری می‌کنند؛ این موضوع تفاوت اساسی سلفی‌گری با وهابیت را به عنوان مثال تبیین می‌کند.

جریان سلفیه در دو رویکرد «متن محور و زمینه محور» باعث ایجاد گرایش‌های مختلف در جامعه اسلامی شده که اولی گرایش اشعری‌گری، اخباری‌گری و وهابیت‌گری و دومی، نوگرایی اسلامی و احیای هویت اسلامی را به دنبال داشته است. اختلاف اساسی در این گرایش‌ها عمدتاً ناشی از تفاوت نگاه معنی‌شناسانه و معناشناسانه به متن متعلق به مفاهیم، تاریخ، ساختارها و عوامل اسلامی در طول تاریخ بوده است.

نگاه معنی‌شناسانه متن محور، سلفی‌گرایی متحجرانه را بازتولید کرده

است که یکی از شاخص‌ترین رویکردهای آن «وهابیت» است؛ در مقابل، نگاه معناشناسانه زمینه‌محور، سلفی‌گرایی عقل‌گرا و اجتهادمحور را به وجود آورده است که در گونه‌های مختلف نظری، سیاسی و اجتماعی بازتولید شده است.

هر دو رویکرد متن‌محور و زمینه‌محور تاکنون جامعه اسلامی را با جریان‌های مختلف روبه‌رو ساخته که برخی همچون گرایش وهابی و طالبانی و دیگری همچون نوگرایی اسلامی و احیای هویت واقعی اسلامی، گونه‌های متفاوت از سلفی‌گرایی در معنای عام آن هستند.

ازسوی دیگر باید توجه کرد که دعوت سلفیه از همان آغاز با واژه «گذشته» و «گذشتگان» همراه بوده است. این گذشته را نمی‌توان نوعی تاریخ‌گرایی محض دانست، بلکه همان‌گونه که تاریخ فرهنگ^۱ با تاریخ فرهنگی^۲ متفاوت است، تاریخ فرهنگ سلفیه با تاریخ فرهنگی سلفیه که نوعی از فرهنگ‌گرایی^۳ بر آن حاکم هست، متفاوت است. در اینجا همان‌گونه که تاریخ فرهنگی درصدد تبیین معرفت‌شناسی فرهنگی در طول تاریخ است و تاریخ فرهنگ را بیان نمی‌کند، بلکه خود این تاریخ فرهنگی است. تاریخ فرهنگی سلفیه به دنبال معرفت‌شناسی و تحلیل تاریخ ذهنیت^۴ حاکم بر جریان سلفی‌گرایی در ساختار فکری عوامل آن، چگونگی شکل‌گیری آن و سرانجام نحوه بروز آن در صحنه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در فرایند تاریخ است.

بنابراین، برای تبیین رویکردهای اعتقادی و سایر رویکردهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی گرایش سلفی‌گری، نیازمند تحلیل تاریخ ذهنیت و درحقیقت تاریخ فرهنگی این گرایش هستیم.

یکی از اشکالات اساسی در فهم سلفی‌گری، تبیین معنای واژه سلف از دیدگاه‌های زبان‌شناسی و معناشناسی و از دو جهت «معنی و معنا» است. عدم توجه به چنین تبیینی، بیشترین سوءتفاهم را در طول تاریخ اسلامی ایجاد کرده و منشأ ظهور جریان‌های قشریگری، اخباری و وهابی از یک طرف و

جریان‌های اصلاحگری، نوگرایی اسلامی و بازگشت به هویت اسلامی شده است. معنی، تفسیر ظاهری، نحوی و صوری لفظ است که در وضع مشخص، معین شده است. «معنی همان بصیرتی است که وقتی تصور شیء ارائه شده به تصور تجربه‌ای در گذشته قابل استناد باشد، پدید می‌آید؛ تا آنجا که به تجربه‌های ناآشنا مربوط می‌شود. معنی در صورتی به ظهور می‌رسد که پیکربندی آشنایی، خواه مستقیم، خواه خودبه‌خود و خواه در اثر تلاش و جست‌وجو سر برآورد.» (گولد، ۱۳۷۶، صص ۷۹۰-۷۸۹) برخلاف معنی، معنا، حاصل تعامل لفظ با تاریخ در بستر فرهنگی-اجتماعی است؛ به عبارت دیگر، معنا به معنی فراظاهری دلالت داشته و در فرایند گفت‌وگو میان به وجود می‌آید که بیش از آنکه تنها به معنی لفظ استناد کند، به معنای شکل گرفته لفظ در طول تاریخ در رابطه با ساختارهای مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و دینی دلالت دارد؛ در آن صورت، معنا را هرگز نمی‌توان ثابت و قطعی فرض کرد؛ «بدین معنی که معنا در ذات چیزها وجود ندارد، معنا ساخته و تولید می‌شود، معنا حاصل و نتیجه یک رویه دلالت است.» (مهدیزاده، ۱۳۸۷، ص ۲۲) «پس، معنا به زمینه‌گرایی (چه مکانی و فضایی و چه تاریخی) برمی‌گردد؛ یعنی زمینه‌گرایی فرهنگ در قالب فضا و زمان.» (فیاض، ۱۳۸۱، ص ۲۶۰)

درحقیقت، معنا، خروج از لایه ظاهری لفظ و حرکت در دو جهت درونی و بیرونی آن است که ریشه در تحلیل گفتمانی، نشانه‌شناسی و زبان‌شناسی دارد. استراوس، خروج از لایه مزبور را برگرداندن به یک زبان متفاوت دانسته و می‌گوید: «معناداشتن یعنی قابلیت هر نوع از داده در برگرداندن به یک زبان متفاوت است.» (استراوس، ۱۳۷۶، ص ۲۷).

این زبان متفاوت ریشه در دلالت‌های ضمنی دارد که فراتر از معنی صریح لفظ است که این معنی «یک معنای ناب حقیقی و جهانی است که اصلاً ایدئولوژیک نیست.» (Chandler, 1994)

معنای مزبور را براساس یک خوانش آلتوسری چنین می‌توان گفت؛ گرچه ما در نخست «معنی صریح» لفظ را یاد می‌گیریم؛ اما سپس با دستیابی به معنای ضمنی غالب، در دورن چارچوبی ایدئولوژیک قرار می‌گیریم.

(Silverman, 1983, p. 30)

به عبارت دیگر، معنی هنگامی که در بستر تاریخی-فرهنگی به ایدئولوژی های گوناگون آغشته می شود، به معنا تبدیل می شود که این معنا با به دست آوردن هژمونی برخاسته از قدرت های زمانی-مکانی تجسم یافته در ساختارها و عوامل مختلف به یک «فرامعنی» تبدیل می شود و از معنی ظاهری و نحوی دور می شود. بر پایه چنین تفکیکی میان معنی و معنا، بحث سلفی گری از یک سو با جهت گیری معنی تبیین و از سوی دیگر با جهت گیری معنایی مورد تفسیر قرار گرفته و مکاتب و نحله های فکری و اعتقادی و سرانجام هویتی را به وجود آورده است که با دیدگاه اول، معنی ظاهری و قراردادی پایه تحلیل و برداشت های بعدی بوده و در دیدگاه دوم، تحلیل نشانه شناسی و گفتمانی و برداشت های فراظاهری و فرالفظی از واژه مزبور مورد استناد قرار گرفته و جریان های متفاوت اندیشه ای و اعتقادی را به وجود آورده است.

در حقیقت، دریافت های «معنی شناسانه» و بر پایه «معنی تحت اللفظی و صریح»، مسلمانان را به سوی قشریگری، اخباریگری و وهابیت کشانده و برداشت های معنا شناسانه با رویکرد دلالت های ضمنی آنان را به سمت اصلاحگری، نوگرایی اسلامی و بازگشت به هویت اسلامی برده است. برای سلفی گری و سلفیه تعاریف و توضیحات گوناگونی از علما و اندیشمندان مسلمان ارائه شده است که به برخی از آن ها اشاره می شود.

البوطی معتقد است:

سلف در دوران کوتاه خود بیش از خلف در دوران طولانی خویش پیشرفت و تحول داشته اند.

بنابراین در دوزمینۀ تحول و ثبات معیار پیروی از سلف چیست، اگر مقصود از واژه سلف معنی لغوی آن باشد، این واژه (درست همانند واژه «قبل») دارای معنایی نسبی است که در زمان های متوالی، هر زمان نسبت به زمان قبل از خود صدق می کند، زیرا هر زمانی نسبت به زمان هایی که پس از آن آمده «سالف» [سلف یا

گذشته] و نسبت به زمان‌هایی که قبل از آن آمده و پیش‌تر سپری شده، «خلف» است. البته این واژه معنی اصطلاحی ثابتی - جز این معنی - یافته که از همین مفهوم [که اصطلاح شده] فراتر نمی‌رود و به مفهوم دیگری جز آن انتقال نمی‌یابد. این واژه هنگامی که معنی اصطلاحی آن مورد نظر باشد، در مورد شایسته‌ترین عصر اسلامی و سزاوارترین آن‌ها به اقتدا و پیروی از آن به کار می‌رود. معنی اصطلاحی ثابت و مشخص این واژه، همان سه قرن نخست حیات امت اسلامی، امت سرورمان محمد (ص) است. (البوطی، ۱۳۸۳، ص ۱۹)

این معنی در محدوده تفاوت میان گذشتگان و آیندگان با تأکید بر عنصر زمان و عوامل انسانی آن که در سلف و خلف منعکس شده‌اند، حرکت می‌کند. البوطی علاوه بر معنی تحت‌اللفظی این واژه، تعریف اصطلاحی آن را نیز آورده است که در مفهوم زمان گذشته (سه قرن اول هجری) نهفته است.

ابن فارس واژه سلف «س ل ف» را به معنای دلالت بر تقدم و ماسبق (قبل) دانسته و سلف را کسانی می‌داند که در گذشته بوده‌اند. (ابن فارس، ۱۳۶۸، ص ۵، ق، ماده سلف)

در همین زمینه ابن اثیر (ت ۱۲۳۲/۶۳۰) در النهایة به دنبال مصداق‌شناسی سلف بوده و می‌گوید:

«تابعین صدر اول اسلام به سلف صالح نامیده می‌شوند.» (ابن اثیر، ۱۳۵۷، ص ۵، ق)

تهانوی (ت ۱۷۴۵/۱۱۵۸) نیز این واژه را از منظر تبعیت و تقلید در دین نگاه کرده و چنین معنی می‌کند:

«سلف در شرع به معنای هرکسی که در دین تقلید می‌کند و از اصول آن تبعیت می‌کند.» (تهانوی، ۱۹۶۳، ج ۳، صص ۶۷۷-۶۷۶)

در یک تعریف دیگر چنین آمده است:

«سلفی کسی است که در احکام شرعی به کتاب و سنت رجوع کند و به غیر آن‌ها رجوع نکند.» (المعجم الوسیط، ۱۹۶۰، ج ۱، ص ۴۴۶)

با چنین رویکرد محدود ارجاعی به کتاب و سنت و چشم‌پوشی از به‌کارگیری

ادله دیگری همچون عقل که می‌تواند در تبیین کتاب و سنت راهگشای اساسی تلقی شود، نوعی از تقلید مطلق به وجود می‌آید که با جریان اجتهاد در طی زمان در تعارض است. «سلفی‌گری در معنای لغوی به معنی تقلید از گذشتگان، کهنه‌پرستی یا تقلید کورکورانه از مردگان است (Salafiyye): اصحاب السلف الصالح؛ اما سلفیه در معنای اصطلاحی آن، نام فرقه‌ای است که تمسک به دین اسلام جسته، خود را پیرو سلف صالح می‌دانند و در اعمال، رفتار و اعتقادات خود سعی بر تابعیت از پیامبر اسلام (ص)، صحابه و تابعین دارند. آنان معتقدند که عقاید اسلامی باید به همان نحو بیان شوند که در عصر صحابه و تابعین مطرح بوده است؛ یعنی عقاید اسلامی را باید از کتاب و سنت فراگرفت و علما نباید به طرح ادله‌ای غیر از آنچه قرآن در اختیار می‌گذارد، بپردازند. در اندیشه سلفیون، اسلوب‌های عقلی و منطقی جایگاهی ندارد و تنها نصوص قرآن، احادیث و نیز ادله مفهوم از نص قرآن برای آنان حجیت دارد.» (هاتف، ۱۳۸۶)

معنی نحوی و تحت‌اللفظی پیش گفته را می‌توان در دو مقوله تبیینی و روشی و هریک را در دو محور طبقه‌بندی کرد:

۱. مقوله‌های تبیینی: الف) زمانی: تاریخ‌گرایی، نسب‌گیری زمانی، نگاه به گذشته؛ ب) مصداقی: تابعین صدر اسلام، سه قرن اول هجری.

۲. محورهای روشی: الف) تشریعی: فقط رجوع به کتاب و سنت؛ ب) پیروی: تقلید و تبعیت.

با خروج از معنی ظاهری و ورود به معنای درونی و فراطاهری یا معنای ضمنی، سلف طبقه‌بندی فوق نشان‌دهنده بُعد دیگری از معناسبت که می‌توان آن را در مفهوم «هویت» نشان داد. اگر هویت‌یابی انسان را در طول تاریخ یک نیاز اجتماعی بدانیم، مسلمانان در طول دوران حیات اسلامی، به لحاظ احساس نوعی از نوستالژی به گذشته درخشان، یکی از مصادیق مهم این هویت‌یابی هستند. به لحاظ احیای گذشته درخشان نیز، هویت جایگاه مهمی را در این دیدگاه تحول‌گرایانه اشغال کرده است؛ بنابراین، مقوله‌های فوق را از این دیدگاه نیز می‌توان به چهار بخش تقسیم کرد:

۱. هویت‌یابی تاریخی: در این هویت، مسلمانان به دنبال پیوند تاریخی با گذشته‌اند؛ این گذشته‌گرایی نوعی از استمرار مفهومی، فرهنگی و دینی را تداعی می‌کند.

۲. هویت‌یابی تشریعی: در این هویت، مسلمانان تداوم تشریع را با الگوسازی برداشتی از گذشتگان و دخالت ندادن تأویل‌ها و تفسیرهای شخصی در امور شرعی دنبال می‌کنند.

۳. هویت‌یابی مصداقی: در این هویت، مسلمانان به دنبال بازنمایی الگوهای مصداقی اعم از افراد، رفتارها، کردارها و سرانجام هرآنچه می‌تواند به عنوان مصداق موردپذیرش، شایان پیروی باشد.

۴. هویت‌یابی روشی: در این هویت، مسلمانان احیای هویت اسلامی را نوعی از دنباله‌روی روشی در کلیه زمینه‌ها از جمله استنباط احکام شرعی، شیوه نگاه به تحولات زمانی و مکانی و پاسخ‌گویی به خواسته‌ها و پرسش‌های جدید بر پایه چگونگی برخورد گذشتگان در تاریخ اسلامی از جمله سلف صالح می‌بینند.

مسلمانان در طول تاریخ اسلامی چه در دوران گذشته درخشان و چه در زمان افول آن دوره، همیشه درصدد تثبیت هویت اسلامی یا به دنبال احیای این هویت بوده‌اند. این شیوه هویت‌یابی در تاریخ معاصر، جریان‌های مختلفی را به وجود آورده است که همه این جریان‌ها را می‌توان در دیدگاه اصلاح‌گرایانه‌ای دانست که نوعی از «سلفی‌گرایی» بر آن حاکم است.

تکمله‌ای بر مقدمه

در عصر جدید، تحولات و رخداد‌های نیمه دوم قرن بیستم بستر مناسبی برای ظهور جریان‌های سلفی فراهم کرد. گروه‌های سلفی نوظهور در جهان اسلام عمدتاً از اندیشه‌های ابن تیمیه متأثر شدند و در برخی مبانی فکری با سلفیان قدیم مانند توحید و شرک، ظاهرگرایی و نقل‌گرایی، تأکید بر پیروی از سلف صالح و... اشتراک دارند. اما برخی جریان‌های سلفی جدید به‌ویژه سلفیه جهادی

با طرح دیدگاه‌های رادیکال و تأکید بر مفاهیمی مانند حاکمیت و خلافت، جاهلیت جوامع و لزوم هجرت از آن‌ها، عدو قریب و بعید و به‌ویژه عملیاتی کردن مفهوم جهاد، سلفیگری را وارد مرحله جدیدی کردند.

جهان اسلام در دوره معاصر شاهد ظهور مجدد جریان سلفی تکفیری است که با انتساب خود به دین اسلام زمینه گسترش اختلافات و تهدیدات امنیتی فراوانی را به وجود آورده و صلح و امنیت جامعه بشری را در تمام سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی به‌ویژه در گستره جوامع اسلامی تهدید کرده است. در دهه‌های اخیر، جریان سلفی تکفیری از یک سو به عنوان جریان مخالف با مدرنیسم و تمدن غربی و از سوی دیگر مخالف با دیگر مذاهب اسلامی، اهمیت یافته و در نقاط مختلف جهان اسلام نفوذ خود را گسترش داده است. در حال حاضر، این تفکر به‌رغم برخورداری از آموزه‌های غیرعقلانی، خشن و افراط‌گرایانه و مخالفت گسترده علمای مذاهب اسلامی، در مراحل و مقاطع گوناگون متأسفانه توانسته است در بخش‌های وسیعی از سرزمین‌های اسلامی و سایر مناطق جهان گسترش یابد.

سلفیان جدید علاوه بر برخی اندیشه‌های ابن تیمیه، از آرای افرادی مانند ابوالاعلی مودودی، سید قطب، عبدالسلام فرج و... متأثر هستند و به واسطه تمسک به ظاهر برخی آیات، جهاد را رادیکال کرده و آن را برای نابودی جاهلیت، شرک و طاغوت و تحقق جامعه اسلامی ضروری می‌شمارند.

البته جریان جنبش اخوان المسلمین مصر نقش بسزایی در ظهور جریان سلفیه جهادی در عصر حاضر داشته است. شخصیت‌هایی مانند عبدالسلام فرج، صالح سریه، شکری مصطفی و... با طرح دیدگاه‌های افراطی، تأثیرگذاری بسزایی بر روی جوانان پرشور اخوانی داشته‌اند. سلفیان جدید (جهادی) به دنبال ایجاد حکومت اسلامی و توحیدی و پاک‌سازی جوامع بشری از حاکمان طاغوتی و بازیابی هویت پیشین، مسئله جوامع جاهلی و هجرت از آن‌ها به واسطه جهاد را برجسته کرده‌اند.

با توجه به این مطالب، ضرورت‌های چندی را می‌توان برای پرداختن به موضوع سلفیت و مقابله با گفتمان سلفی تکفیری برشمرد:

الف) وجود جریان های انحرافی منتسب به دین اسلام همواره یکی از بزرگ ترین آسیب ها برای مبانی اصیل اعتقادی جوامع اسلامی بوده است. امروزه با گسترش تکنولوژی ارتباطات این آسیب بیش از گذشته موجودیت اسلام اصیل را تهدید می کند و برای مقابله با این تهدید، آشنایی با این جریانات و مبانی فکری و اعتقادی آنان حائز اهمیت است.

ب) امروزه جریان های سلفی تکفیری یکی از خطرناک ترین و درعین حال قدرتمندترین دشمنان اسلام و تشیع در جهان اسلام به شمار می آیند. افکار و عقاید این جریان گرچه دارای اتقان و استحکام نیست، اما به دلیل حمایت کانون های قدرت و برخورداری از منابع مالی و تبلیغاتی گسترده، تهدیدی بالفعل برای جهان اسلام به حساب می آیند؛ از این رو، شناسایی دقیق این جریان برای مقابله با تهدیدات گسترده آنان در کشورهای اسلامی ضرورتی انکارناپذیر دارد.

ج) امروزه فعالیت های تبلیغی جریان سلفیه و تهدیدهای گروه های تکفیری در منطقه و جهان و حتی در داخل مرزهای جمهوری اسلامی ایران به رغم شکست های پی در پی آنان در سوریه و عراق و مناطق دیگر، گسترش یافته است که این امر ضرورت مقابله با این جریان و پاسخ به شبهات مرتبط با دیدگاه سلفی تکفیری در راستای پاسداری از حریم تشیع را دوچندان کرده است. امروزه، به ویژه جوانان جمهوری اسلامی هدف بیشترین شبهات دشمنان اهل بیت علیهم السلام قرار گرفته اند که در صورت عدم پاسخ مناسب و کسب آگاهی بیشتر نسبت به این جریان چه بسا در دام توطئه های دشمنان گرفتار خواهند شد. این مسائل ضرورت شناخت، تبیین، توصیف و تحلیل این جریان های انحرافی را به منظور مواجهه صحیح و برخورد کارشناسانه با آنان را آشکارتر می سازد.

جریان های مورد بحث با تحریک مسائل اختلافی بین مذاهب و فرقه های اسلامی، عامل اصلی ایجاد تفرقه و جنگ و درگیری بین مسلمانان به شمار می آیند؛ با اشاعه و نشر شبهات علیه عقاید مسلمین (اعم از شیعه و سنی) زمینه

تضعیف و تزلزل عقاید آنان را فراهم می‌کنند؛ با تکفیر مسلمانان و صدور فتاوای قتل علیه آنان به گسترش بحران و ناامنی در جوامع اسلامی دامن می‌زنند؛ با انتساب خود به اهل سنت و مخفی کردن ماهیت خطرناک و چهره انحرافی خویش باعث گمراهی مسلمین به‌ویژه اقشار جوان می‌شوند و ...

به لحاظ برون دینی نیز جریان‌های مورد بحث پیامدهای نامطلوبی برای جوامع اسلامی و جامعه بشری به بار می‌آورند؛ آنان با معرفی خود به عنوان نماینده مسلمانان و اسلام واقعی تحت حمایت سران مرتجع عرب و استعمار غرب توانسته‌اند چهره نامطلوب و خشنی از دین اسلام به جهانیان ارائه دهند و با دامن زدن به پدیده اسلام‌هراسی و ایجاد تنفر از دین اسلام، زمینه‌کند شدن روند رو به رشد و گسترش اسلام و بلکه زمینه اسلام‌ستیزی را فراهم کنند. ادامه این روند با حمایت استیکار جهانی چه بسا می‌تواند به تحریک غیرمسلمانان دامن زده و زمینه وقوع درگیری‌های خونین میان مسلمانان و غیرمسلمانان همچون جنگ‌های صلیبی را فراهم آورد؛ بنابراین، برای پیشگیری از این پیامدهای منفی لازم است به این مباحث پردازیم و با این جریان به شدت مقابله کنیم.

کتاب «من سلفی هستم؛ جستاری در هویت حقیقی و تخیلی سلفی‌ها»، نوشته محمد ابورمان است که توسط مؤسسه فردریک ایبرت^۱ شعبه اردن و عراق منتشر شده است.

محمد سلیمان ابورمان، یکی از شخصیت‌های سیاسی کشور اردن است که از ۱۱ اکتبر ۲۰۱۸ تا ۷ نوامبر ۲۰۱۹ به عنوان وزیر فرهنگ و جوانان در دولت عمر الرزاز فعالیت می‌کرد. وی مدرک کارشناسی خود را در رشته علوم سیاسی از دانشگاه الیرموک در سال ۱۹۹۵ و مدرک کارشناسی ارشد را در همان رشته از دانشگاه آل البیت دریافت کرد. وی در سال ۲۰۰۹ مدرک دکتری علوم سیاسی را از دانشگاه قاهره دریافت کرد.

ابورمان به عنوان پژوهشگر جنبش‌های اسلام سیاسی در مرکز تحقیقات استراتژیک دانشگاه اردن فعالیت می‌کرد. (ویکی پدیا)

آینا فیلر شوک در معرفی کتاب و نویسنده آن چنین می‌گوید:

«این کتاب بررسی پیش‌گامانه‌ای در زمینه سلفی‌گری ارائه می‌دهد؛ به‌طوری‌که دکتر محمد ابورمان، در تحلیل‌هایش پیوسته روشی اتخاذ کرده که مبتنی بر مصاحبه و گفت‌وگوهای متعدد با سلفی‌های اردن است تا از این طریق بتواند به انگیزه‌ها، ارزش‌ها، اعتقادات و نگرش‌های آنان پی‌ببرد. ابورمان در این اثر، ارزش‌های اعضای جنبش‌های سلفی را به‌طور مستقیم و بدون واسطه از خودآنها بیان کرده و نتیجه‌گیری‌هایش را به جای آنکه همچون یک ناظر بیرونی از این جریان‌ها ارائه کند، مستقیماً از طریق دیدارهای رودررو حاصل کرده است. اکثر افرادی که مؤلف با آنان به مصاحبه پرداخته، نه از بزرگان سلفی‌گری، بلکه از میان افراد عادی بوده که قاعدهٔ هرم را تشکیل می‌دادند. در نتیجه، نویسنده نمونه‌ای از فهم پیچیدگی‌های سلفی‌گری و رویکردهای مختلف آن را نشان می‌دهد.»

وی همچنین مؤسسهٔ فردریک ایبرت را چنین معرفی می‌کند:

«مؤسسهٔ سیاسی آلمانی است که در اردن از سال ۱۹۸۶ فعالیت می‌کند. این مؤسسه در زمینه تقویت ارزش‌های دموکراسی اجتماعی (مشارکت مدنی) در تمام دنیا تلاش می‌کند. مؤسسهٔ فردریک ایبرت با بیش از ۹۰ نمایندگی در سراسر دنیا، فعالیت‌های مختلفی را در موضوعات گوناگون سازمان‌دهی می‌کند؛ از جمله این فعالیت‌ها می‌توان به راه‌اندازی و تشویق اتحادیه‌های کارگری و حمایت از حقوق کارگران، پرورش توانمندی‌های مردمان کشورها، حمایت از حقوق بشر و موضوعات متعدد دیگر اشاره کرد.»

کتاب از یک مقدمه و شش فصل و نتیجه‌گیری و منابع تشکیل شده است که عبارت‌اند از:

- فصل مقدماتی: سلفی‌ها چه کسانی هستند؟
- فصل اول: چگونه یک سلفی شدم؟

● فصل دوم: سلفی‌گری جهادگرا؛ از راه دشوار رسیدن به آن تا خروج

مطمئن از آن

● فصل سوم؛ در جست‌وجوی «راه سوم» سلفی‌گری

● فصل چهارم؛ از قلب سلفی‌گری به سوی بیرون

● فصل پایانی؛ پرسش‌های هویت، بحران و دگرگونی

در مورد کتاب نیز به چند نکته مهم اشاره می‌شود:

۱. یکی از موارد مهمی که در کتاب مورد تأکید قرار گرفته است، استمرار افراط‌گرایی در جهان حداقل تا سال ۲۰۴۰ میلادی است؛ بنابراین، ضرورت دارد که همچنان اندیشمندان و محققان در این زمینه پژوهش‌های مختلفی را که در راستای آینده‌پژوهی صورت می‌گیرند، داشته باشند.

۲. یکی از کشورهایی که به شدت نگران افزایش افراط‌گرایی است، آلمان است. آلمان و به‌ویژه اشتوتگارت، به مقصد اصلی جریان‌های افراطی اسلامی تبدیل شده است و لذا آلمان عمیقاً احساس ترس از افراط‌گرایی می‌کند. ۳. آلمان (به دلیل ترس از افراط‌گرایی) از کشورهای پیش‌گام در تحقیقات مربوط به افراط‌گرایی به‌ویژه در جهان اسلام است. درحقیقت، مؤسسه فردریک ایبرت برای مقابله با افراط‌گرایی راه‌اندازی شده است.

۴. یکی از نوآوری‌های مهم کتاب، نگرستن از منظر جامعه‌شناسی هویت به سلفی‌ها، به‌ویژه سلفی‌های تکفیری است که توسط نویسنده کتاب، دکتر ابورمان که استاد دانشگاه ملی اردن است، انجام شده است.

۵. یکی از نوآوری‌ها و اقدامات مهم دکتر ابورمان در این زمینه، مصاحبه با سلفی‌گرایانی است که از این جریان جدا شده‌اند؛ کاری که تقریباً مشابه نداشته و این اقدام، کتاب را در حد بالایی برجسته کرده است. بیشتر کتاب‌ها در مورد سلفی‌گری، از بیرون به نقد آن پرداخته‌اند، درحالی‌که این کتاب سلفی‌گرایان را از زبان خودشان توصیف و معرفی می‌کند.

۶. اصولاً مطالعات هویت و یا «هویت‌شناسی» از مطالعات بسیار مهم

در فهم اجتماعی است؛ این مطالعات نقش اساسی در آینده پژوهی و برنامه ریزی برای سیاست گذاری و برنامه ریزی های بعدی است؛ بنابراین، بررسی علت های هویتی گرایش به سلفی گری مسئله مهمی است که می تواند سیاست گذاران و سیاست پژوهان را نسبت به خلأ های مهم در این حوزه آگاه سازد.

۷. استفاده از دستاوردهای این کتاب در مورد خلأ های هویتی که جریان های سلفی برای یارگیری از آن ها استفاده می کنند، می تواند متولیان امر در جمهوری اسلامی ایران را راهنمایی کند که به آن خلأ ها توجه کرده و از ایجاد جریان های افراط گرا در کشور و سایر کشورهای منطقه که ایران در آن ها به نوعی دارای نفوذ است، جلوگیری کند.

۸. خوانندگان گرامی بدانند علی رغم آنکه نویسنده کتاب سعی کرده تا حد زیادی از سوگیری های ایدئولوژیک دوری کند؛ اما به هر حال گاهی در عبارات و ادبیات مختلف، این جهت گیری نمایان شده است؛ مثلاً در جهت گیری های منفی نسبت به جریان اخوان المسلمین این موضوع به وضوح دیده می شود.

امیدواریم ترجمه این کتاب گامی در جهت شناخت هرچه بیشتر و عمیق تر جریان سلفی گری در جهان اسلام باشد.

مترجمان از همکاری و حمایت جناب آقای دکتر صفایی نژاد مدیر محترم «انتشارات صاد» که با انتشار این کتاب نقش مهمی در انتقال تحقیقات انجام شده به خوانندگان ایرانی دارد، بسیار سپاسگزار هستند.

بدیهی است که تلاش شده است ترجمه به شکل روان و قابل فهم باشد. امیدواریم که در این زمینه نیز کتاب موفقیت لازم را کسب کرده باشد.

حسن بشیر،

عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (ع)

امیررضا تمدن؛

دانشجوی دکترای فرهنگ و ارتباطات